

روند خصوصی سازی در ایران

روابط عمومی - دایره روابط داخلی و بین الملل

در چارچوب برنامه های اول و دوم توسعه اتفاق افتاد.

اما اینکه احساس نیاز به خصوصی سازی چگونه به وجود آمد و این روند در کشور ما چگونه طی شد مستلزم این است که قدری در مورد پیدایش این حرکت تاریخچه ای بیان شود.

با آغاز بحران نفتی، دولت های سرمایه داری که برای ایجاد رفاه شهروندان خود، همه عرصه های حیات اقتصادی را در دست داشتند آن چنان عریض و طویل شده بودند که مقررات دست و پاگیر آنها انگیزه هر نوع سرمایه گذاری را از آنان گرفته بود.

کارشناسان امور اقتصادی معتقدند در این حالت، دولت به قدری بزرگ می شود که هزینه ای سنگین بر جامعه تحمیل می کند و با این حال قادر نیست حتی وعده های اقتصادی خود را جامه عمل بپوشاند. اما

به بخش خصوصی ارایه کنند. این امر سرآغاز روند خصوصی سازی اوج گیری آن و سپس افول این فرآیند بود. در نگاهی کلان به روند خصوصی سازی در ایران درمی یابیم عمده ترین هدف این حرکت که تأثیرش را بر کشور ما نیز گذاشت کاهش حوزه تصدی دولت و واگذاری آن به بخش خصوصی بود.

اگرچه اقتصاددانان عموماً بر ضرورت خصوصی سازی شرکت های دولتی به منظور افزایش بهره وری این شرکت ها و در نهایت شکوفاتر شدن اقتصاد کشور در اثر افزایش بازده این شرکت ها تأکید دارند، اما در عین حال غالباً نگران آن هستند که اتخاذ روش های نامناسب در اجرای این فرآیند، موجب می شود که آثار منفی آن، آثار مثبتی را که می تواند برای اقتصاد ملی داشته باشد، تحت الشعاع قرار دهد و این رویدادی است که در دور اول خصوصی سازی

فروش واحدهای اقتصادی دولتی به بخش خصوصی و نیز لغو تصمیمات ملی شدن درباره برخی از صنایع یا انتقال حداقل ۵۰ درصد سهام آن به ایادی خصوصی را خصوصی سازی (privatization) یا تبدیل به مالکیت خصوصی می نامند. یکی از محورهای اصلی برنامه سوم توسعه کشور، کاهش دخالت دولت در تصدی گری هاست که مهمترین و بحث انگیزترین بخش این سیاست، واگذاری شرکت های تحت مالکیت و مدیریت دولت به بخش خصوصی محسوب می شود. در کشور ما نیز نخستین بار سیاست واگذاری و کاستن از گستره تصدی دولت در برنامه دوم توسعه مطرح شد. واکنش و حساسیت مطبوعات و پیگیری مردم باعث شد تا در سال ۷۳ - ۷۴ دولت در لایحه خصوصی سازی، برنامه ای عملی برای انتقال تصدی های دولتی

خود را برای هرچه بیشتر کارآمد شدن خصوصی کرده و در اختیار اشخاصی قرار دهیم که به خوبی با سیاست شفاف‌سازی و تصمیم‌گیری به موقع آشنا هستند تا به این طریق جهت رونق تولید و بالندگی اقتصادی گام‌های مؤثری برداشته شود.

منابع:

۱- روزنامه ابرار اقتصادی مورخ ۱۴ مرداد

۱۳۸۰

۲- سایت اینترنتی روزنامه قدس- ستون

اقتصادی- مورخ ۸ مرداد ۱۳۸۰

و ریشه‌دار حرکت خوبی را در این عرصه انجام دادند و ما نسبت به هر دوی اینها عقب هستیم.

اهداف خصوصی‌سازی باید موجب افزایش کارایی شرکت‌های دولتی باشد و آنها را از حالت زیان‌ده خارج سازد و زمینه مشارکت مردم را در امور خود تشدید کند، اما صرف واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی خود تبدیل به هدف شده است و ما از هدف‌های اصلی بازمانده‌ایم.

اهداف خصوصی‌سازی باید موجب افزایش کارایی شرکت‌های دولتی باشد و آنها را از حالت زیان‌ده خارج سازد و زمینه مشارکت مردم را در امور خود تشدید کند، اما صرف واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی خود تبدیل به هدف شده است و ما از هدف‌های اصلی بازمانده‌ایم.

کشورهای کمونیستی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی خیلی سریع مبادرت به خصوصی‌سازی کردند و سیاست‌های اقتصادی سوسیالیستی خود را به سوی اقتصاد آزاد سوق دادند، پر واضح است که موارد یاد شده الزاماً با شرایط اقتصادی ایران نمی‌تواند مطابقت داشته باشد، بلکه برای خصوصی‌سازی سریع و گسترده باید دست به مطالعه و تحقیق بزنیم و براساس آن موانع نظری و مبانی اقتصادی موجود بر سر راه خصوصی‌سازی را به درستی بررسی کنیم تا همگام با پیوستن به سازمان تجارت جهانی، بدون مشکل، مؤسسات و بنگاه‌های دولتی

تجربه چند دهه گذشته از یک‌سو و تغییرات وسیعی که فن‌آوری نوین به وجود آورد از طرف دیگر، سبب شد از طرف دیگر که رویکرد جدید به دولت همچون گذشته در پی افزایش مالکیت دولتی نباشد، حتی با نوعی تغییر با خصوصی‌سازی مواجه شدیم. اما این رویکرد چگونه صورت پذیرفت.

کشورهای در حال توسعه ناچار شدند برای مقابله با سیاست‌های مداخله‌گراییانه دولت‌ها، سیاست خصوصی‌سازی و ایجاد امنیت واقعی در چارچوب قوانین مردم‌سالارانه برای جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی مورد توجه قرار دهند. در ایران نیز این روند بیش از هفت سال است که آغاز شده است. تا قبل از خصوصی‌سازی تعداد مؤسسات وابسته دولت بالغ بر ۱۵۹۹ شرکت یا مؤسسه بود که در پایان برنامه اول توسعه این رقم به یک هزار و ۱۷۱ مورد کاهش یافت. یک بررسی نشان می‌دهد تا پایان برنامه اول تنها ۲۲۶ مؤسسه به بخش خصوصی واگذار شد. همچنین با توجه به اینکه بسیاری از شرکت‌های دولتی زیان‌ده بودند دولت تصمیم گرفت که حجم دخالت خود را کاهش دهد و به خصوصی‌سازی روی آورد.

برخی از کارشناسان عدم مطالعات لازم در شفاف‌سازی نوع واگذاری شرکت‌ها را دلیل عمده کندی روند خصوصی‌سازی شرکت‌ها عنوان می‌کنند و احتمال می‌دهند که اگر به همین شکل فعلی پیش رویم دچار اشتباهاتی نظیر آنچه که در سال ۷۲ و ۷۳ انجام شد، خواهیم گردید.

کشورهای بلوک شرق به دلیل ساختارشان واگذاری تصدی‌های دولت را به بخش خصوصی سرعت بخشیدند و از آن طرف کشورهای صنعتی بودند که با مطالعات عمیق

**طلوع اختر
درخشان
آسمان عصمت،
تلالو صفحه
زریں تاریخ
فضیلت، ظهور
کوثر رسالت
و ولایت و
فرارسیدن هفته
زن بر همه
آزادگان عالم
مبارک باد**